

الهیات ما چیست؟

نویسنده: سینکلر بی. فرگوسن

چند اعتقاد مهم وجود دارد که مجله‌ی تیبل‌تاک را، همچون کل تاریخ خدمات لیگونیر، به حرکت وامی‌دارند. یکی از این اعتقادات را پانصد سال پیش مارتین لوتر بیان کرده است- و اصلاً چه کس دیگری را می‌توان انتظار داشت؟ همه الهیدان هستند؛ یعنی همه‌ی مسیحیان. گفته می‌شود همه الهیدان هستند، پس همه می‌توانند مسیحی باشند.

اما الهیات چیست؟ و به ویژه، الهیات ما چیست؟

الهیات

الهیات سخن گفتن درباره‌ی خداوند (در بهترین و والاترین معنا) است- اندیشیدن و صحبت کردن درباره‌ی خدا به شکلی منسجم و منطقی. برای هر ایماندار مسیحی، این یعنی الهیاتی که ریشه در مکاشفه‌ی خداوند دارد و بیان‌کننده‌ی آن است. پس به یک معنای صحیح می‌توان گفت که ما «الهیات همه‌چیز» داریم، زیرا کل عالم- بررسی تاریخ، کشفیاتی که می‌کنیم- به طریقی بخشی از خودمکاشفه‌ی خداوند از طریق آفرینش، مشیت، نجات و داوری است.

به گفته‌ی آبراهام کوپپر، هیچ چیز در عالم نیست که به معنای مطلق کلمه خداناباورانه باشد. مرجع بالاتری می‌گوید: «از او و به او و تا او همه چیز هست» (رومیان ۱۱: ۳۶). به همین دلیل است که همه، اعم از فیزیکدانان هسته‌ای، اخترشناسان، ادیبان، باغبانان، رفتگران، یا حتی «الهی‌دانان»، الهیدان هستیم. این مزیت، چالش و افتخار زندگی ما در هر شغل قابل‌تصوری است.

سرانجام، به قول پولس، ما فقط یک کار می‌کنیم (فیلیپیان ۳: ۱۳). آیا پولس فقط یک کار می‌کرد؟ البته که نه. ولی بلی، او فقط یک کار می‌کرد اما به هزار شکل مختلف. ما نیز همین‌طور هستیم. در تمامی چیزها الهیدان هستیم زیرا می‌دانیم سراسر زندگی برای شناخت خداوند است.

اما الهیات چگونه عمل می‌کند؟ بهتر است مثالی بزنیم. در تلویزیون بی‌بی‌سی برنامه‌ی جالبی هست. این برنامه کارگاه تعمیرات نام دارد و در مقایسه با بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی که افسرده‌کننده یا غیر اخلاقی و یا هر دو هستند حس بسیار خوبی می‌دهد. در این برنامه انسان‌های عادی اشیای ارزشمند ولی آسیب‌دیده، خراب‌شده یا از شکل افتاده‌شان را برای تعمیر به یک کارگاه می‌برند. آنها اغلب داستان‌های عمیقاً تکان‌دهنده‌ای نقل می‌کنند- داستان‌هایی درباره اینکه آن شیء (که شاید فی‌نفسه ارزش چندانی نداشته باشد) برای خودشان بااهمیت است زیرا ارتباطی با یکی از عزیزانشان دارد.

سپس مهارت فوق‌العاده‌ی مردان و زنان صنعت‌گر را مشاهده می‌کنیم که در کار با چوب، فلز، کار با ماشین‌آلات، کار با مبلمان، ابزارآلات و مکانیزم‌های موسیقی، اشیای سفت و نرم متخصص هستند؛ کارشان همچون جادو می‌نماید. آدم‌هایی مثل من سرهم‌بندی می‌کنند و امیدوارند بهترین نتیجه را بگیرند، ولی آنها اول همه چیز را از هم باز می‌کنند و سپس شیء را از نو می‌سازند و شکوه از دست رفته‌اش را بدان باز می‌گردانند. سپس نتیجه‌ی شگفت: شاهد سپاسگزاری و تحسین عمیق صاحب شیء از متخصصان هستیم. او از مشاهده‌ی اینکه شیء محبوبش به طور کامل بازسازی شده مشعوف است و اشک در چشمانش حلقه زده - معمولاً شیء زیر یک ملحفه معمولی پنهان است و ملحفه ناگهان کنار زده می‌شود (که به خوبی معنای تجدید حیات بزرگتر را می‌دهد).

الهیات کارگاه تعمیرات انجیل است. «هسته‌ها» یا موضوعات مختلف آن (خداوند، آفرینش، سقوط، مشیت، نجات، جلال نهایی) کمابیش همچون بخش‌های تخصصی‌ای هستند که نخست آسیب شخصی ما را واکاوی می‌کنند و سپس ما را بازسازی می‌کنند تا اینکه هدف اصلی که در آفرینش ما بود محقق گردد. بدین طریق، آنچه نیاکان ما الهیات زائر می‌نامیدند و ما درک مبهمی از آن داریم تبدیل به الهیات بینش می‌شود و ما به آن چشم می‌دوزیم. از آنجا که به شباهت خدا خلق شده‌ایم که تا ابد او را جلال دهیم و از او لذت ببریم، دست کم همچون او ساخته خواهیم شد.

حال محتوای الهیات ما چیست؟

الهیات ما

از توماس آکوئیناس نقل کرده‌اند که الهیات از خدا می‌آید، درباره‌ی خداست و ما را به خدا رهنمون می‌شود. به علاوه، از آنجا که حیات ابدی معادل شناخت خدا و عیسی مسیح فرستاده‌ی اوست (و این شناخت فقط از طریق روح‌القدس میسر می‌شود؛ انجیل یوحنا ۱۷: ۳؛ همچنین ۱۴: ۲۳ و ۲۵) پس الهیات ما با خدا شروع (و به آن ختم) می‌شود. این الهیات به ما می‌گوید که او کیست - خدای واحد که سه شخص است، تثلیث متبارک، در مشارکت ابدی سه شخص، پدر، پسر و روح‌القدس.

این الهیات به شناخت ذات حیرت‌انگیز، واحد و بسیط او منجر می‌شود که ما، با ظرفیت محدود خود، جنبه‌هایی از او را که صفات می‌نامیم درک می‌کنیم. صفات در واقع شیوه‌هایی برای توصیف کمال او، الوهیتش، نامحدود بودنش و جلالش است.

پس الهیات ما الهیات خدای تثلیث است که برای خود و در خود کفایت می‌کند و در تمامی تجلیاتش محبت مقدس است. در نتیجه، جای تعجب نیست که الهیات ما تحت تاثیر دو دیدگاه نبی تقدس و رسول محبت باشد - اشعیا ۶ و مکاشفه ۴-۵. این خود یک واقعیت شگفت است که به نظر می‌رسد کل الهیات ما در این دو دیدگاه خلاصه‌وار بیان شده است.

این دو دیدگاه خداوندی خدا را منعکس می‌کنند «که بود و هست و خواهد آمد» (مکاشفه ۴: ۸) و نیز داستان آفرینش را (آیه ۱۱): اینکه همه‌ی چیزهای زمین و آسمان را خدای تثلیث آفریده است، «خدای تعالی خالق آسمان و زمین و همه‌ی چیزهای دیدنی و نادیدنی (اعتقادنامه‌ی نیقیه)، از طریق کلمه‌اش پسر ابدی، و با امر و اجرای روح‌القدس که بر آب‌های اولیه در حرکت بود.

این دو دیدگاه آینه‌ای به دست ما می‌دهند که در آن سرنوشت خود را که پشت سر ما قرار دارد تقریباً به طور نامحسوس مشاهده می‌کنیم. خداوند ما را برای جلال خود آفرید و برای اینکه از او لذت ببریم - در یک کلام، برای همراهی با او و پرستش او. اما اکنون خود را همچون اشعیا می‌بینیم که تحت فشار کشف کیستی خدا - واحد قدوس - قرار داشت و، همچون یک قلعه‌ی قدیمی اسکاتلندی، خود را خرابه‌ای می‌یابیم که نتیجه‌ی عمل شیطان است. ما وامانده‌ایم، نمی‌توانیم خود را احیا کنیم، ناقصیم و ناپاک. هیچ کدام از ما نمی‌توانیم طرحی برای نجات و احیای حیات خود تدارک ببینیم (مکاشفه ۵: ۴).

اما الهیات ما این گونه به پایان نمی‌رسد. خداوند می‌خواهد آن شباهت را بازسازی کند. بلی، پیش از آنکه متوجه نیاز به بازسازی خود شویم باید پی ببریم که تخریب شده‌ایم. اما سپس الهیات اشعیا - یوحنا - به ما می‌گوید که نه خدایی دیگر، بلکه همان خدای واحد قدوس و سه‌گانه است که نبی‌اش، از طریق زغال سوزان بر قربانگاه که نخست می‌سوزاند و سپس احیا می‌کند، ما را احیا خواهد کرد. این الهیات مبتنی بر کتاب مقدس می‌گوید، اشعیا در این رویا جلال خداوند عیسی را می‌بیند (انجیل یوحنا ۱۲: ۴۱).

از آنجا که الهیات ما می‌گوید مکاشفه هم پیشرونده و هم رشدکننده است، متوجه می‌شویم شخصی که رویای اشعیا به آن اشاره دارد کسی جز شیر قبیله‌ی یهودا، بره‌ی قربانی شده‌ی خداوند که گناهان جهان را برمی‌دارد، نیست (مکاشفه ۵: ۱۰-۶). همچنان که در «شناخت عیسی» (افسیان ۴: ۲۰) عمیق‌تر می‌شویم، به شخصیت بی‌همتای الهی او در طبیعت دوگانه و در عین حال متحدش در یک شخص می‌اندیشیم، و نیز به دو وضعیت فروتنی و جلال، و سه منصب نبی، کاهن و پادشاه - این همه در یک خداوند در عیسی مسیح.

در این بافتار، مشاهده می‌کنیم که برای ما اتفاقی افتاده است: روح‌القدس زندگی ما را در تماس با عیسی قرار داده که کفاره‌اش ما را حیات می‌بخشد. ما بخشیده می‌شویم و از لعنت گناه مبری می‌گردیم، و در همان لحظه گناه در ما شسته می‌شود. جور دیگری ممکن نیست، زیرا همانطور که کلونین بارها تذکر داده، تصور اینکه بتوانیم عیسی را برای عادل‌شمردگی داشته باشیم بی‌آنکه او را برای تقدس بخواهیم به معنای دوباره کردن اوست، زیرا او این هر دو را به ما داده است.

روح‌القدس ما را با عیسی واحد که «عدالت و قدوسیت» است متحد می‌کند (اول قرن‌تین ۱: ۳۰). بنابراین، گناهکاری که عادل‌شمرد شده همزمان در مرگ عیسی بر گناه غلبه یافته و در رستاخیز او حیاتی تازه از خداوند

دریافت نموده (رومیان ۶: ۲-۴). باور به هر الهیات دیگری به معنای عدم درک فیض است، چرا که «فیض نیز سلطنت نماید به عدالت برای حیات جاودانی به وساطت خداوند ما عیسی مسیح» (۵: ۲۱)

جای شگفتی نیست که دیدگاه والای اشعیا به اطاعت بی قید و شرط منجر می‌شود: «لبیک مرا بفرست!» (هر قدر هم مسیر ناهموار باشد؛ اشعیا ۶: ۱۳-۸). همچنین جای تعجب نیست که نگاه اشعیا در تجربه‌ی یوحنا از سرود آسمانی منعکس می‌شود: «قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید» (مکاشفه ۴: ۸)؛ و در ستایش جلال او به اوج می‌رسد «و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیرزمین و در دریاست و آنچه در آنها می‌باشد، شنیدم که می‌گویند، تختنشین و برّه را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد» (۵: ۱۳). تصادفی نیست که کنفرانس‌های سراسری لیگونیر معمولاً با همخوانی «هللویای» هندل به پایان می‌رسد.

آری، این الهیات ما است. این الهیات از همان روزهای اول و از دوران «تدریس آر. سی. اسپرول» قلب تپنده‌ی لیگونیر بوده و اکنون پنجاه سال است که به طرق مختلف ابراز گشته است. در اینجا همه ما بخشی از این همکاری در تدریس هستیم. و این الهیات، الهیات ما، تبدیل به کارگاه تعمیرات الهی می‌شود، و ما را از وضعیت خراب‌شده به نجات و احیای نهایی می‌برد. *جلال فقط از آن خداست.*

دکتر سینکلر بی. فرگوسن یکی از معلمین خدمات لیگونیر و استاد تمام الهیات نظام‌مند در دانشکده الهیات اصلاح‌شده است. او نویسنده چندین کتاب از جمله *Maturity* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.